

بررسی میزان آگاهی معلمان دبستانی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان

بهشته عبدی^{۱*}، سید خسرو صادق موسوی^۲، فاطمه قدیری نژادیان^۱، مهرناز جهرمی^۱، شیوا پناهی ابودر^۳

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۲۰ تجدید نظر: ۸۸/۴/۳ پذیرش نهایی: ۸۸/۱۰/۱۵

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناخت میزان آگاهی معلمان ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان بوده است. روش: بدین منظور تعداد ۴۰۹ معلم (۲۴۵ زن و ۱۶۴ مرد) شهرستانهای استان تهران، به آزمون محقق‌ساخته میزان آگاهی معلمان دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان که یک آزمون ۳۴ آیتمی و چهار گزینه‌ای بود پاسخ گفتند. روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است. روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر، از نوع طبقه‌ای تصادفی بود. با اجرای آزمون و انجام تحلیل عاملی، سه عامل شناسایی و طبقه‌بندی شد و توانبخشی به‌دست آمد. نتایج محاسبات دامنه اطمینان میانگین نشان داد که دانش کلی گروه نمونه معلمان مقطع ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری، در دامنه اطمینان میانگین بین ۴۲/۷۰ و ۴۰/۶۴ قرار دارد. با تبدیل دامنه اطمینان میانگین به نقطه درصدی، عدد ۴۲ به‌دست آمد؛ به این معنی که آگاهی معلمان مقطع ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان، ۵۸ درصد با وضعیت مطلوب (۱۰۰ درصد) فاصله دارد. نتایج آزمون نشان داد که میزان آگاهی کلی و نیز آگاهی درباره شناسایی و طبقه‌بندی ناتوانیهای یادگیری در معلمان زن، به طور معنی‌داری بیشتر از معلمان مرد است. یافته‌ها: نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که میزان آگاهی معلمان با سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر، به طور معنی‌داری بالاتر از معلمان با سطح تحصیلات دیپلم و نیز فوق دیپلم است. همچنین نتایج آزمونهای تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که معلمان دارای سوابق کاری کمتر از ۱۰ سال، آگاهی بیشتری درباره شناسایی ناتوانیهای یادگیری، نسبت به معلمان دارای سوابق کاری ۱۱ تا ۲۰ و نیز بیشتر از ۲۰ سال دارند. در سایر عوامل و در میزان کلی آگاهی، تفاوت معنی‌داری بین معلمان با توجه به محل تدریس (شهر یا روستا) وجود نداشت. نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش که حاکی از پایین بودن آگاهی معلمان ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان است، آموزشهای ضمن خدمت برای بالا بردن دانش معلمان مقطع ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری ضروری است.

واژه‌های کلیدی: آگاهی معلمان، ناتوانیهای یادگیری-جنس-سطح تحصیلات-سابقه کار

مقدمه

دامنه سنی کودکان (دوره دبستان) در حوزه ناتوانیهای یادگیری^۱ بیشترین میزان تأکید و توجه را به خود اختصاص داده است؛ زیرا در این دوران، مشکلات یادگیری مدرسه‌ای ظاهر می‌شود (اسپیجت^۲، ۲۰۰۴) و در واقع یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان، ناتوانیهای یادگیری است (دان، چمبرز و ربرن، ۲۰۰۴). مطابق با آخرین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری

اختلالات روانی (DSM-IV)^۳، انجمن روان پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴) ناتوانیهای یادگیری زمانی تشخیص داده می‌شوند که بیش از دو انحراف معیار بین هوشبهر و نمره پیشرفت تحصیلی فرد در آزمونهای استاندارد شده خواندن، ریاضیات و یا بیان نوشتاری او تفاوت وجود داشته باشد؛ یعنی پیشرفت تحصیلی فرد اساساً پایین‌تر از سطح سنی، هوشی و تحصیلی او باشد.

(Email:b_abdi2006@yahoo.com)

۰۲۱ - ۸۸۳۰۹۲۹۲

*۱- نویسنده رابط: کارشناس ارشد روان شناسی

۲- کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

۳- دانشجوی کارشناسی آموزش کودکان استثنایی- دانشگاه تهران

در این باره مور و لاگونی (۲۰۰۵) معتقدند که این خطر همیشه درباره دانش‌آموزان دچار ناتوانیهای یادگیری وجود دارد که در صورت عدم شناسایی بموقع، معلمان به آنها برچسب تنبل، بی‌مسئولیت یا بی‌انگیزه زده بزنند. این موضوع تا این حد مهم است که دانش‌آموزان دچار ناتوانی یادگیری که به آنها این برچسبها زده می‌شود، اغلب از فرصتهای آموزشی و تحصیلی متناسب، محروم می‌شوند و احتمالاً مشکلات اجتماعی و هیجانی رایج و انگیزش پایین و یادگیری ناقص مطالب درسی را تجربه می‌کنند (لیون، ۱۹۹۶؛ کلاسن و لینچ، ۲۰۰۷). روشن است که کودکان دچار ناتوانیهای یادگیری طولانی‌تر، در هر سطح و شدت، بدون شناسایی، طبقه‌بندی و بازپروری پیش می‌روند و تکلیف بازپروری، سخت‌تر می‌شود (لیون، ۱۹۹۶). در حالی که وقتی کودکان دچار ناتوانیهای یادگیری خیلی زودتر شناسایی و درمان می‌شوند، پیامدها هم معمولاً مثبت است (گوندرسون و سی گل، ۲۰۰۱). از سویی دیگر، برچسب زدن دانش‌آموزان عادی به صورت ناتوانی یادگیری نیز مشکل دیگری است که می‌تواند دانش‌آموزان عادی را دچار مشکلات روانی و تحصیلی بسیاری کند (سیدریدیس، آنتونیو و پدلیادو، ۲۰۰۸؛ آناستازیو و پولی کرونوپولو^۷، ۲۰۰۹).

از سویی دیگر، تعلیم و تربیت ویژه برای دانش‌آموزان دچار ناتوانیهای یادگیری که می‌تواند طیفی گسترده از خدمات ویژه از سوی معلم کلاس عادی تا مراقبت مؤسسه‌ای ۲۴ ساعته را در برگیرد، در پایه‌ای ترین سطح، معلم مجرب کلاس درس عادی پاسخ‌گوی نیازهای تحصیلی می‌شود؛ در سطح بعد، ممکن است معلم کلاس درس عادی علاوه بر نیاز به آگاهی و دانش لازم درباره مطالب و روشهای ویژه برای رویارویی با دانش‌آموزان دچار ناتوانیهای یادگیری، با تشکیل کلاس مرجع در مدرسه، به مشاوره با یک معلم متخصص تعلیم و تربیت ویژه یا دیگر متخصصان (برای مثال روان شناس مدرسه، معلم مرجع) هم نیاز داشته باشد (هالاها و کافمن^۸،

نظریه‌های مختلفی درباره ناتوانیهای یادگیری وجود دارد؛ مطابق با نظریه رشد پیاژه^۴، یکی از علت‌های اصلی بروز مشکل در تحصیل، تأخیر در بالیدگی برخی از فرایندها در دانش‌آموز است؛ زیرا دانش‌آموز برای رسیدن به آمادگی در یادگیری مطالب آموزشی مختلف، باید مهارتها و دانش معینی از آن حیطه را (برای مثال ریاضی، خواندن یا نوشتن) برای استفاده از کلاس درس کسب کند. درحالی‌که، دانش‌آموزان دچار ناتوانیهای یادگیری، نیاز به توجه خاصی به وسیله معلمان دارند تا بتوانند تواناییهای مورد نیاز و نیز آمادگی لازم را برای کسب یادگیریهای بعدی به‌دست آورند. بر پایه اصول روان‌شناسی شناختی، ناتوانیهای یادگیری، ناشی از اختلال در پردازش روان‌شناسی، یعنی اشکال در یک یا چند فرایند شناختی زیربنایی یادگیری تحصیلی مانند ادراک، زبان و حافظه است. بر اساس این دیدگاه، با توجه به تفاوت در تواناییهای شناختی پایه‌ای در دانش‌آموزان، تدریس باید بر اساس آگاهی معلمان از در نظر گرفتن این اختلافا در دانش‌آموزان و سرانجام انتخاب مناسب‌ترین روش یادگیری در آنها صورت گیرد (لرنر^۵، ۱۹۹۷؛ ترجمه دانش، ۱۳۸۴).

شناخت علل ناتوانیهای یادگیری از لحاظ آموزشی، از این جنبه مهم است که می‌تواند به معلمان در بحث شناسایی و تفکیک کودکان دچار ناتوانیهای یادگیری از انواع دیگر مشکلات یادگیری و یا مشکلاتی که حتی ممکن است منشأ جسمانی داشته باشند مانند التهابات دستگاه شنوایی که می‌تواند معلم را در تشخیص، به اشتباه بیندازد، کمک نماید تا وی بتواند برای کمک به شناسایی، طبقه بندی و بازپروری، با علل هر اختلال آشنا شود (کرک و گالاگر^۶، ترجمه جوادیان، ۱۳۸۲). اما متأسفانه، بسیاری از دانش‌آموزان دچار ناتوانیهای یادگیری، به علت آگاهی کم معلمان از ناتوانیهای یادگیری، تا قبل از پایه‌های سوم تا چهارم ابتدایی شناسایی نمی‌شوند (لیون، ۱۹۹۶).

۱۹۸۸؛ ترجمه ماهر، ۱۳۷۸). از دهه هشتاد به بعد، اغلب کشورهای دنیا مانند امریکا، ژاپن، استرالیا، نیوزیلند، بریتانیا و کشورهای اروپایی، برنامه ریزی‌های خود را به گونه‌ای تدوین کرده‌اند تا دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانیهای یادگیری، به جای این که در گروههای ویژه محدود و محصور شوند، بیش از پیش در کلاسهای عادی درس بخوانند. این حرکت به سوی یکپارچه‌سازی کودکان دارای نیازهای ویژه با کودکان عادی که بیشتر در سطح ابتدایی انجام می‌شود (آویسار، ۲۰۰۰)، چگونگی خدمات‌دهی ویژه به این دانش‌آموزان را تغییر داده است؛ بنابراین وظیفه معلمان کلاس عادی است که دانش و شایستگی لازم را درباره انواع مشکلات و ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان، در خود ارتقاء دهند (استیله، ۲۰۰۴؛ پترسن، ۲۰۰۷).

از آنجایی که معلمان اولین مرجع رسمی شناسایی ناتوانیهای یادگیری در دانش‌آموزان هستند، بررسی میزان آگاهی معلمان ابتدایی از مفاهیم ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان، در شناخت هرچه بیشتر و بهتر دانش‌آموزان دارای این اختلالات و رفع مشکلات آنها و برنامه‌ریزیهای آموزشی آینده برای معلمان، دارای اهمیت زیادی است. در حالی که با وجود ضرورت زیاد، پژوهشهای معدودی در این باره انجام شده است. نتایج پژوهش محمد اسماعیل (۱۳۷۷)، در مورد میزان آگاهی معلمان درباره خدمات کلینیکهای ناتوانیهای یادگیری در سراسر کشور نشان می‌دهد که ۵۱ درصد از کارشناسان این کلینیکها، این آگاهی را در معلمان کم و بسیار کم و ۳۸ درصد، آن را در حد متوسط دانسته‌اند؛ ضمن اینکه هیچ یک از کارشناسان، میزان آگاهی معلمان را در حد زیاد و بسیار زیاد ندانسته‌اند. این در حالی است که نتایج تحقیقی دیگر (صوفی پور و همکاران، ۱۳۸۳) که در آن از معلمان خواسته شده بود، درباره میزان آگاهی‌شان از ناتوانیهای یادگیری قضاوت کنند، نشان داد که ۷۲ درصد آنها میزان آگاهی خود را در حد مطلوب دانسته‌اند. در تحقیقی

دیگر، بابایی می‌آوردان (۱۳۸۱) با بررسی میزان آگاهی معلمان زن و مرد دوره ابتدایی در استان آذربایجان شرقی به این نتیجه رسید که اولاً میزان آگاهی معلمان پایین تر از متوسط است؛ ثانیاً میزان آگاهی معلمان زن از معلمان مرد بالاتر است و ثالثاً معلمان دارای مدرک تحصیلی بالاتر، میزان آگاهی بالاتری هم دارند. در بررسی رابطه بین سابقه خدمت و میزان آگاهی معلمان نیز ارتباط معکوسی وجود داشت؛ به این معنی که با افزایش سابقه خدمت، میزان آگاهی معلمان کاهش پیدا می‌کند. عامری (۱۳۸۳) در پژوهشی دیگر، نشان داد که میزان آگاهی معلمان زن استان سمنان، به طور معنی‌داری بالاتر از معلمان مرد بود. کاواله و ریس^۹ (۱۹۹۱)؛ به نقل از اسکرانز و مسترو پیری، ۲۰۰۲)، معلمان دانش‌آموزان دچار ناتوانیهای یادگیری را در امریکا بررسی کرد. آنها دریافتند که بیشتر از ۸۰ درصد از معلمان، سطح آگاهی بالایی را از ناتوانیهای یادگیری داشتند. هینز^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۰)؛ به نقل از کاتائوکا و وان کراینولد و الکنیس، ۲۰۰۴) با استفاده از مجموعه معیارهای یکسان، میزان آگاهی معلمان از ناتوانیهای یادگیری را بین معلمان ژاپنی و امریکا مقایسه کردند. نتایج نشان داد که معلمان آمریکایی ۴ درصد از دانش‌آموزان دچار ناتوانیهای یادگیری را ولی معلمان ژاپنی، ۱/۵ درصد از آنها را شناسایی کرده‌اند. در همین راستا، پژوهش بانو و نگامانی (۲۰۰۶) در هندوستان برای بررسی میزان دانش ۴۸ نفر از معلمان دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری، نشان داد که بیشتر معلمان، از جنبه‌های مختلف ناتوانیهای یادگیری آگاهی بالاتر از متوسطی داشتند. در پژوهشی دیگر، الخطیب (۲۰۰۷) در اردن، میزان آگاهی ۴۵۰ نفر از معلمان ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری را با توجه به متغیرهای سابقه تدریس و سطح تحصیلات بررسی کرد که نتایج نشان‌دهنده این بود که به‌طور کلی، معلمان، آگاهی متوسطی از ناتوانیهای یادگیری داشتند، ضمن اینکه میزان آگاهی معلمان زن، بالاتر از آگاهی معلمان مرد

تصادفی بود؛ بدین منظور با روش انتخاب تصادفی، براساس تقسیم‌بندی شهرستانهای استان تهران (شامل سه بخش شرق، مرکز و غرب)، از میان ۳۲ منطقه، ۱۰ منطقه از ۳ بخش به روش تصادفی (قرعه‌کشی) انتخاب شد. در مرحله بعد، از فهرست موجود مدارس ابتدایی در هر منطقه، ۱۰ مدرسه (۵ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسه پسرانه) به شیوه قرعه‌کشی انتخاب شد. نظر به اینکه تعداد نمونه تعیین شده برای معلمان زن مقطع ابتدایی، بیشتر از معلمان مرد بود، سعی گردید که در نمونه‌گیری، مطابق با حجم نمونه به‌دست آمده در تحقیق برای هر جنس، این تناسب رعایت شود و به منظور کنترل اثر افت شرکت کنندگان، ۵۰ نفر به تعداد نمونه از هر جنس اضافه شود. از ۵۰۰ آزمون ارسال شده، تعداد ۴۱۶ پرسشنامه (۲۶۲ مرد و ۱۵۲ زن) کامل شد که مطابق با تعداد نمونه تعیین شده بود.

ابزار

ابزار اندازه‌گیری، آزمون محقق‌ساخته بود که برای تعیین میزان دانش و آگاهی معلمان مقطع ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان ساخته شد. برای ساخت آزمون، ابتدا با استفاده از آخرین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV) و سایر منابع معتبر علمی درباره ناتوانیهای یادگیری، ۷۰ گویه چهارگزینه‌ای، شامل تاریخچه، تعریف، شناسایی، طبقه‌بندی، سبب‌شناسی و خدمات توانبخشی ناتوانیهای یادگیری ساخته شد؛ در مرحله اول، گویه‌ها به وسیله دو نفر از متخصصان سنجش و اندازه‌گیری بررسی شد و سپس هشت متخصص ناتوانیهای یادگیری، روایی ظاهری آن را تأیید کردند و جهت بررسی مقدماتی، آزمون بر روی ۳۰ نفر از معلمان مقطع ابتدایی شهرستانهای کرج اجرا شد. مقدار ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ، رقم ۰/۷۶ به‌دست آمد که این رقم معرف تجانس درونی گویه‌های ابزار اندازه‌گیری است؛ ضمناً

بود. اما تفاوتی بین آگاهی معلمان با توجه به سطح تحصیلات و سابقه کار وجود نداشت.

با توجه به اهمیت بسیار زیاد سنجش میزان واقعی دانش معلمان از ناتوانیهای یادگیری و عدم انجام تحقیقات کافی در زمینه جهت تدوین برنامه‌ریزیهای جامع برای آموزشهای ضمن خدمت معلمان، در تحقیق حاضر، میزان آگاهی معلمان مقطع ابتدایی با اجرای آزمون و با توجه به ویژگیهای جمعیت شناختی آنها مانند جنس، سطح تحصیلات، پایه تحصیلی و سابقه کار از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان بررسی شده است. از این رو تحقیق حاضر، برای بررسی سؤالات زیر انجام گرفته است:

۱- میزان آگاهی معلمان دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان چقدر است؟

۲- آیا بین میزان آگاهی معلمان زن و مرد دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد؟

۳- آیا بین میزان آگاهی معلمان با سطوح تحصیلی مختلف دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان تفاوت دارد؟

۴- آیا بین میزان آگاهی معلمان دارای سابقه کار مختلف در دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد؟

۵- آیا بین میزان آگاهی معلمان دوره ابتدایی مشغول تدریس در شهر و روستا تفاوت وجود دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق، کلیه معلمان زن و مرد پایه‌های اول تا پنجم مقطع ابتدایی شهرستانهای استان تهران تعداد کل ۱۶۷۱۸ نفر (۱۲۶۰۳ نفر زن، ۴۱۱۵ نفر مرد) بودند. حجم نمونه لازم برای این تحقیق، با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد ۴۰۹ نفر (۲۴۵ زن و ۱۶۴ مرد) تعیین شد. روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر، از نوع طبقه‌ای

گسسته دو ارزشی و چند ارزشی مقایسه شده و از این رو مدل آماری t دو گروه مستقل برای مقایسه دو میانگین مستقل و آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه بیش از دو میانگین مستقل مورد استفاده قرار گرفت.

برای بررسی میزان آگاهی معلمان دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان، از روش برآورد دامنه فاصله اطمینان میانگین جامعه از روی میانگین نمونه یعنی فرمول $\bar{x} - zS\bar{x} \leq \mu \leq \bar{x} + zS\bar{x}$ استفاده شد. نتایج نشان داد که دانش کلی گروه نمونه معلمان مقطع ابتدایی شهرستانهای استان تهران، از ناتوانیهای یادگیری، در دامنه اطمینان میانگین بین ۴۲/۷۰ و ۴۰/۶۴ قرار دارد (در نقطه ۴۲ درصدی) قرار دارد. یعنی آگاهی معلمان مقطع ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان، ۵۸ درصد با وضعیت مطلوب (۱۰۰ درصد) فاصله دارد. در بررسی آگاهی معلمان با توجه به مؤلفه‌های آزمون، نتایج نشان داد که آگاهی معلمان درباره شناسایی ناتوانیهای یادگیری، در نقطه ۴۴ درصدی، درباره طبقه‌بندی ناتوانیهای یادگیری در نقطه ۴۶ درصدی و درباره توانبخشی در نقطه ۳۴ درصدی قرار دارد که به ترتیب ۵۶، ۵۴ و ۶۶ درصد با وضعیت مطلوب (۱۰۰ درصد) فاصله دارند.

برای بررسی تفاوت آگاهی معلمان زن و مرد دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری، از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است:

نتایج آزمون t دو گروه مستقل جدول ۱ نشان داد که بین میانگین نمرات معلمان زن و مرد از شناسایی ($P < ۰/۰۵$ ، $t = ۴/۲۱$)، طبقه‌بندی ($P < ۰/۰۵$)، پارامتریک از جمله روش محاسبه دامنه اطمینان از میانگین برای بررسی میزان آگاهی معلمان از ناتوانیهای یادگیری استفاده به عمل آمد. سطح اندازه‌گیری متغیرهای مستقل تحقیق یعنی جنس، سطح تحصیلات، سابقه کار و محل خدمت به صورت متغیر گسسته است؛ بنابراین برای بررسی سؤالهای بعد، میانگینهای میزان آگاهی در سطوح متغیرهای

شاخصهای روان‌سنجی آزمون مقدماتی، با محاسبه ضریب ابهام، ضریب تمیز، ضریب دشواری و نیز ضریب همبستگی بررسی شد و از میان ۷۰ گویه، ۳۶ گویه حذف و ۳۴ گویه دارای بهترین نمرات در شاخصهای روان‌سنجی مذکور، انتخاب شدند. برای محاسبه روایی بیرونی از ملاک همزمانی استفاده شد. به این منظور، همبستگی آزمون این تحقیق با پرسشنامه بررسی میزان آگاهی معلمان ابتدایی (بابایی میاردان، ۱۳۸۱)، به عنوان ملاک بیرونی بر روی ۳۰ نفر اجرا شد. ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده، رقم ۰/۴۷ بود که در سطح آلفای ۰/۰۱ معرف همبستگی مثبت و معنی‌دار بین دو ابزار است. پس از اجرای نهایی، به منظور بررسی روایی سازه و تعیین ساختار عاملی، از آزمون تحلیل عاملی، روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. با اجرای این آزمون به روش وریماکس و در سطح تمایز حداقل ۰/۳، پس از ۸ چرخش، ۳ عامل به دست آمد. مقدار ضریب KMO، ۰/۶۹ بود که نشان‌دهنده کفایت حجم نمونه است. آزمون بارتلت نیز در سطح $P < ۰/۰۱$ معنی‌دار بود. با توجه به گویه‌های تشکیل‌دهنده عاملها، می‌توان عامل اول را به عنوان عامل شناسایی (۱۴ سؤال)، عامل دوم را به عنوان عامل طبقه‌بندی (۸ سؤال) و عامل سوم را عامل توانبخشی (۶ سؤال) نامید. شش گویه نیز به علت وزن عاملی پایین‌تر از سطح تمایز حذف شد.

یافته‌ها

با توجه به اینکه متغیر میزان آگاهی، دارای مقیاس فاصله‌ای، کمی و پیوسته است، از آزمونهای پارامتریک از جمله روش محاسبه دامنه اطمینان از میانگین برای بررسی میزان آگاهی معلمان از ناتوانیهای یادگیری استفاده به عمل آمد. سطح اندازه‌گیری متغیرهای مستقل تحقیق یعنی جنس، سطح تحصیلات، سابقه کار و محل خدمت به صورت متغیر گسسته است؛ بنابراین برای بررسی سؤالهای بعد، میانگینهای میزان آگاهی در سطوح متغیرهای

جدول ۱- نتایج آزمون t گروههای مستقل برای بررسی تفاوت آگاهی معلمان زن و مرد از ناتوانیهای یادگیری:

شاخص	جنس	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری
شناسایی	زنان	۶/۵۴	۲/۰۳	۴۱۲	۴/۴۴	۰/۰۰۱
	مردان	۵/۶۳	۱/۹۷			
طبقه بندی	زنان	۳/۹۳	۱/۵۱	۴۱۲	۴/۲۴	۰/۰۰۱
	مردان	۳/۲۹	۱/۴۳			
توانبخشی	زنان	۲/۰۱	۱/۰۳	۲۵۹/۰۱۴	۱/۱۲	۰/۲۶
	مردان	۲/۱۵	۱/۳۱			
میزان کلی آگاهی	زنان	۱۴/۷۱	۳/۴۹	۴۱۲	۴/۲۲	۰/۰۰۱
	مردان	۱۳/۲۰	۳/۵۳			

نداشت ($t = ۰/۳۸$)، واریانسهای دو گروه معلمان زن و مرد در عاملهای فوق الذکر، باهم یکسان بوده است.

نداشت ($t = ۴/۱۲$ ، $P > ۰/۰۵$). لازم به ذکر است که با توجه به معنی دار نبودن آزمون F لونز، جهت بررسی همسانی واریانس، دو گروه زن و مرد ($P > ۰/۰۵$)،

جدول ۲- شاخصهای توصیفی آگاهی معلمان دارای سطوح تحصیلی مختلف از ناتوانیهای یادگیری

متغیر	سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
شناسایی	دیپلم	۱۳۵	۵/۸۲	۲/۰۹
	فوق دیپلم	۱۴۴	۵/۹۶	۱/۸۱
	لیسانس و بالاتر	۱۱۵	۷/۱۹	۱/۸۳
	کل	۳۹۴	۶/۲۷	۲/۰۰
طبقه بندی	دیپلم	۱۳۵	۳/۸۰	۱/۵۳
	فوق دیپلم	۱۴۴	۳/۵۰	۱/۴۴
	لیسانس و بالاتر	۱۱۵	۳/۸۶	۱/۴۳
	کل	۳۹۴	۳/۷۱	۱/۴۸
توانبخشی	دیپلم	۱۳۵	۱/۹۶	۱/۱۱
	فوق دیپلم	۱۴۴	۲/۰۴	۱/۱۴
	لیسانس و بالاتر	۱۱۵	۲/۲۳	۱/۱۶
	کل	۳۹۴	۲/۰۶	۱/۱۴
میزان آگاهی کلی	دیپلم	۱۳۵	۱۳/۷۷	۳/۶۵
	فوق دیپلم	۱۴۴	۱۳/۷۹	۳/۲۱
	لیسانس و بالاتر	۱۱۵	۱۵/۳۷	۳/۲۷
	کل	۳۹۴	۱۴/۲۸	۳/۴۵

چشمگیری بالاتر از میانگین نمرات معلمان با سطوح تحصیلات دیپلم و نیز فوق دیپلم است. برای مقایسه میزان آگاهی معلمان دارای سطوح تحصیلی مختلف درباره آگاهی از ناتوانیهای یادگیری از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد.

با توجه به داده‌های توصیفی مربوط به میانگین میزان آگاهی معلمان از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان که در جدول ۲، آمده است، ملاحظه می‌شود که میانگین میزان آگاهی معلمان دوره ابتدایی با سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر از شناسایی و نیز میزان کلی ناتوانیهای یادگیری، به طور

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس یکطرفه برای بررسی تفاوت معلمان دارای سطوح تحصیلی مختلف درباره آگاهی از ناتوانیهای یادگیری							
سطح تحصیلات	شاخص آگاهی	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
دیپلم		بین گروهی	۱۳۷/۱۴۶	۲	۶۸/۵۷۳		
فوق دیپلم	شناسایی					۱۸/۶۴۹	۰/۰۰۱
لیسانس و بالاتر		درون گروهی	۱۴۳۷/۶۹۹	۳۹۱	۳/۶۷۷		
دیپلم		بین گروهی	۱۰/۵۵۵	۲	۵/۲۷۸		
فوق دیپلم	طبقه بندی					۲/۴۳۹	۰/۸۹
لیسانس و بالاتر		درون گروهی	۸۴۶/۰۳۶	۳۹۱	۲/۱۶۴		
دیپلم		بین گروهی	۵/۰۰۶	۲	۲/۵۰۳		
فوق دیپلم	توانبخشی					۱/۹۲۶	۰/۱۴۷
لیسانس و بالاتر		درون گروهی	۵۰۸/۱۴۴	۳۹۱	۱/۳۰۰		
دیپلم		بین گروهی	۲۰۵/۶۱۹	۲	۱۰۲/۸۱۰		
فوق دیپلم	میزان کلی آگاهی					۸/۹۵۷	۰/۰۰۱
لیسانس و بالاتر		درون گروهی	۴۴۸۸/۰۵	۳۹۱	۱۱/۴۷۸		

جدول ۴- مقایسه اختلاف میانگین معلمان دارای سطوح تحصیلی مختلف از شناسایی و میزان کلی آگاهی از ناتوانیهای یادگیری

سطح تحصیلات	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر
دیپلم	-	-	*
فوق دیپلم	-	-	*
لیسانس و بالاتر	*	*	-
دیپلم	-	-	*
فوق دیپلم	-	-	*
لیسانس و بالاتر	*	*	-

نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه جدول ۳، که جهت آزمون تفاوت میزان آگاهی معلمان با توجه به سطح تحصیلاتشان انجام شده بود، نشان داد که تفاوت معنی داری بین آگاهی درباره شناسایی ($P < 0.05$)، و نیز میزان آگاهی کلی ($P < 0.05$)، ($F = 18.64$)، از ناتوانیهای یادگیری معلمان دارای سطوح تحصیلات مختلف وجود دارد. در عامل آگاهی درباره طبقه بندی ناتوانیهای یادگیری، تفاوت معناداری بین معلمان با توجه به سطح تحصیلات آنها، وجود نداشت. برای مشخص کردن معنی داری تفاوت میانگین گروهها، از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است:

نتایج آزمون تعقیبی شفه در جدول ۴ نشان داد که میزان آگاهی معلمان با سطح تحصیلاتی لیسانس و بالاتر، در شناسایی و میزان کلی آگاهی از ناتوانیهای

یادگیری، بالاتر از معلمان با سطح تحصیلاتی دیپلم و میانگین، انحراف استاندارد آگاهی معلمان دارای سابقه کاری مختلف از ناتوانیهای یادگیری، در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵- شاخصهای توصیفی آگاهی معلمان دارای سابقه کاری مختلف در دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری

متغیر	سابقه کاری در دوره ابتدایی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
شناسایی	۱-۱۰ سال	۱۱۱	۶/۷۵	۱/۹۵
	۱۱-۲۰ سال	۱۹۷	۶/۱۷	۱/۹۹
	بیش از ۲۰ سال	۵۸	۵/۹۶	۲/۰۰
طبقه بندی	کل	۳۶۶	۶/۳۱	۱/۹۹
	۱-۱۰ سال	۱۱۱	۳/۶۰	۱/۴۲
	۱۱-۲۰ سال	۱۹۷	۳/۷۸	۱/۴۸
توانبخشی	بیش از ۲۰ سال	۵۸	۳/۸۱	۱/۵۳
	کل	۳۶۶	۳/۷۳	۱/۴۸
	۱-۱۰ سال	۱۱۱	۲/۰۶	۱/۲۲
میزان آگاهی کلی	۱۱-۲۰ سال	۱۹۷	۲/۱۴	۱/۱۷
	بیش از ۲۰ سال	۵۸	۱/۹۱	۱/۰۰
	کل	۳۶۶	۲/۰۸	۱/۱۶
میزان آگاهی کلی	۱-۱۰ سال	۱۱۱	۱۴/۶۷	۳/۱۸
	۱۱-۲۰ سال	۱۹۷	۱۴/۲۳	۳/۶۷
	بیش از ۲۰ سال	۵۸	۱۴/۸۴	۳/۲۰
کل	۳۶۶	۱۴/۳۰	۳/۴۶	

نتایج جدول توصیفی ۵، نشان می دهد که معلمان دارای سابقه کاری کمتر از ۱۰ سال، آگاهی بیشتری را درباره شناسایی ناتوانیهای یادگیری، نسبت به معلمان دارای سابقه کاری ۲۰ تا ۱۱ و نیز بیشتر از ۲۰ سال دارند.

جدول ۶- نتایج تحلیل واریانس یکطرفه برای بررسی تفاوت معلمان دارای سابقه کار مختلف در دوره ابتدایی درباره آگاهی از ناتوانیهای یادگیری

سطح معنی داری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	منبع تغییرات	شاخص آگاهی	سابقه کاری در دوره ابتدایی
۰/۰۱	۴/۱۸	۱۶/۳۷۰	۲	۳۲/۷۴۰	بین گروهی	شناسایی	۱-۱۰ سال
		۳/۹۱	۳۶۳	۱۴۲۰/۴۹۵	درون گروهی		۱۱-۲۰ سال
							بیش از ۲۰ سال
۱/۵۵۱	۰/۵۹	۱/۲۸۸	۲	۲/۵۷۶	بین گروهی	طبقه بندی	۱-۱۰ سال
		۲/۱۵۹	۳۶۳	۷۸۳/۶۴۵	درون گروهی		۱۱-۲۰ سال
							بیش از ۲۰ سال
۰/۳۹	۰/۹۳	۱/۲۵۸	۲	۲/۵۱۶	بین گروهی	توانبخشی	۱-۱۰ سال
		۱/۳۴۹	۳۶۳	۴۸۹/۸۵۸	درون گروهی		۱۱-۲۰ سال
							بیش از ۲۰ سال
۰/۳۰	۱/۱۹	۱۴/۳۴۴	۲	۲۸/۶۸۷	بین گروهی	میزان کلی آگاهی	۱-۱۰ سال
		۱۱/۹۶۳	۳۶۳	۴۳۴۲/۶۴۹	درون گروهی		۱۱-۲۰ سال
							بیش از ۲۰ سال
							کل

آگاهی ناتوانیهای یادگیری ($t = 1/84$ ، $P > 0/05$) در معلمان مقطع ابتدایی شاغل بین شهر و روستا بود.

جدول ۸- نتایج آزمونهای t گروههای مستقل درباره تفاوت معلمان مشغول به تدریس در شهر و روستا درباره میزان آگاهی از ناتوانیهای

یادگیری						
شاخص آگاهی	محل تدریس	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری
شناسایی	شهر	۶/۱۸	۲/۰۴	۳۷۴	۱/۸۷	۰/۰۶
	روستا	۶/۶۵	۱/۷۰			
طبقه بندی	شهر	۳/۶۹	۱/۴۷	۳۷۴	۱/۲۸	۰/۲۰
	روستا	۳/۹۳	۱/۴۸			
توانبخشی	شهر	۲/۰۲	۱/۱۳	۳۷۴	۱/۱۴	۰/۲۵
	روستا	۲/۱۸	۱/۰۷			
میزان کلی آگاهی	شهر	۱۴/۱۱	۳/۴۷	۳۷۴	۱/۸۴	۰/۰۶
	روستا	۱۴/۹۱	۳/۱۷			

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که میزان آگاهی معلمان مقطع ابتدایی شهرستانهای استان تهران از شناسایی، طبقه بندی، توانبخشی و نیز آگاهی کلی از ناتوانیهای یادگیری در حد پایینی (زیر نقطه ۵۰ درصدی) قرار دارد. این نتیجه با یافته تحقیق بابایی میاردان (۱۳۸۱) که در استان آذربایجان شرقی انجام شده بود، مطابقت می کند. در این خصوص باید گفت که متأسفانه برخلاف تاکید روزافزون جهانی بر ادغام و یکپارچه سازی دانش آموزان دچار ناتوانی یادگیری در کلاسهای عادی در ایران، با وجود تصویب آیین نامه های در سال ۱۳۷۹ از سوی مدیریت برنامه ریزی دانش آموزان دچار اختلالات رفتاری و یادگیری سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی، به علت مشکلاتی نظیر عدم تخصیص بودجه لازم، روند اجرای آیین نامه مذکور بسیار کند بوده و هنوز معلمان مرجع متخصص که معمولاً باید در هر مدرسه حضور داشته باشند و در کلاس مرجع، یا خدمات ویژه از قبیل ارزیابی، تشخیص دقیق، آموزش و توانبخشی دانش آموزان دچار ناتوانی یادگیری به معلم کلاس درس عادی کمک کنند، در مدارس عادی، شروع به کار نکرده اند و به تبع آن کلاسهای مرجع مطابق با

نتایج آزمونهای تحلیل واریانس یکطرفه برای بررسی تفاوت میزان آگاهی معلمان با سوابق کاری مختلف در دوره ابتدایی از ناتوانیهای یادگیری دانش آموزان جدول ۶، نشان دهنده این است که بین معلمان دارای سوابق کاری مختلف دوره ابتدایی ۱۰-۱، ۲۰-۱۱ و بیشتر از ۲۰ سال درباره شناسایی از ناتوانیهای یادگیری تفاوت معنی داری وجود دارد ($F = 4/19$ ، $P < 0/05$) در سایر عاملها از جمله طبقه بندی ($F = 0/59$ ، $P > 0/05$)، توانبخشی ($F = 0/93$ ، $P > 0/05$) و نیز در میزان کلی آگاهی های ناتوانی یادگیری ($F = 1/19$ ، $P > 0/05$) تفاوت معنی داری بین معلمان با سوابق کاری مختلف در دوره ابتدایی وجود نداشت. برای مشخص کردن معناداری تفاوت میانگین بین گروهها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷- مقایسه اختلاف میانگین معلمان دارای سابقه کار مختلف در دوره ابتدایی از شناسایی و میزان کلی آگاهی از ناتوانیهای

یادگیری			
سابقه کار در دوره ابتدایی	۱-۱۰	۱۱-۲۰	بیشتر از ۲۰ سال
۱-۱۰	-	*	*
شناسایی ۱۱-۲۰	*	-	-
بیشتر از ۲۰ سال	*	-	-

همان طور که در جدول ۷ ارائه شده است، نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان داد که میزان آگاهی معلمان دارای سابقه کاری ۱ تا ۱۰ سال در دوره ابتدایی از شناسایی ناتوانیهای یادگیری، به طور معنی داری با آگاهی معلمان دیگر دارای سابقه کاری ۱۱-۲۰ و نیز بیشتر از ۲۰ سال متفاوت است.

نتایج آزمون t گروههای مستقل (جدول ۸)، مبین معنی دار نبودن تفاوت آگاهی درباره ($P > 0/05$)، ($t = 1/87$) و نیز طبقه بندی ($t = 1/28$ ، $P > 0/05$) توانبخشی ($t = 1/14$ ، $P > 0/05$) و نیز میزان کلی

نظریه گلیگان (۱۹۸۲) زنان، در ارتباط با دیگران ویژگیهای مراقبتی و حمایتی دارند؛ بنابراین شاید بتوان آگاهی بیشتر معلمان زن از ناتوانیهای یادگیری را اینگونه تبیین کرد که آنها به علت دارا بودن ویژگیهای زنانه و مراقبت محورانه، توجه و دقت ویژه‌تری را نسبت به مشکلات و ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان و اطلاعات مورد نیاز جهت درک آن و بیشتر دانستن داشته‌اند. بهرحال این فرض، می‌تواند موضوعی قابل بررسی برای تحقیقات آینده باشد.

نتایج تحقیق حاضر برای بررسی تفاوت میزان آگاهی معلمان با سوابق کاری مختلف در مقطع ابتدایی و نیز در آموزش و پرورش، از ناتوانیهای یادگیری دانش‌آموزان، نشان داد که معلمان دارای سوابق کاری کمتر از ۱۰ سال، آگاهی بیشتری را درباره شناسایی ناتوانیهای یادگیری، نسبت به معلمان دارای سوابق کاری ۲۰-۱۱ و نیز بیشتر از ۲۰ سال دارند. همچنین نتایج تحقیق حاضر هیچ تفاوتی را بین میزان آگاهی معلمان شهر و روستا نشان نداد که با توجه به میانگین پایین آگاهی از ناتوانیهای یادگیری هم در شهر و هم در روستا نشان‌دهنده این است که مشکل عدم آگاهی معلمان هم در شهر و هم در روستا وجود دارد.

بهرحال یافته‌های این تحقیق از یک سو می‌تواند به این علت باشد که شناخت حیطه ناتوانیهای یادگیری در ایران نسبتاً جوان است و از سویی دیگر می‌تواند نشان‌دهنده غفلت برنامه‌ریزان آموزش و پرورش، از به روز کردن دانش معلمان و نیز ایجاد انگیزه برای خودآموزی باشد. به نظر می‌رسد که با وجود تاریخچه چهل ساله شناخت ناتوانیهای یادگیری در دنیا، متأسفانه هنوز برای مسئولین آموزش و پرورش ما، ضرورت آگاهی معلمان از ناتوانیهای یادگیری و پیامدهای عدم شناخت و توانبخشی بموقع آن در دانش‌آموزان جدی گرفته نشده است. مطابق با تحقیق مک کاجن^{۲۶} و همکاران (۲۰۰۲)، با برنامه‌ریزی دقیق محتوایی می‌توان اولاً دانش معلمان را بالا

آنچه در دنیا مرسوم است، در مدارس ایران، گسترش نیافته است؛ بنابراین بیشتر دانش‌آموزان صرفاً با معرفی معلم به مراکز آموزش و توانبخشی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری ارجاع داده می‌شوند (عبدی، ۱۳۸۳). در حالی که با توجه به نتایج تحقیق حاضر و میزان پایین آگاهی معلمان از ناتوانیهای یادگیری، چه بسا بسیاری از دانش‌آموزان با عدم شناخت دقیق مشکل ناتوانی یادگیری خود، به موقع شناسایی، طبقه‌بندی و مورد درمان توانبخشی قرار نمی‌گیرند و زنجیره شکستهای پیاپی تحصیلی آنها ادامه می‌یابد و همان‌طور که محققان ناتوانیهای یادگیری مانند رسکایند و همکاران (۱۹۹۹) و سیدریتیس (۲۰۰۷) خاطر نشان کرده‌اند که در بسیاری از موارد این دانش‌آموزان، دچار درخودماندگی اکتسابی می‌شوند و نیز خودپنداره تحصیلی ضعیفی در آنها شکل می‌گیرد و نهایتاً بسیاری از آنها، ترک تحصیل می‌کنند. بهرحال نتیجه تحقیق حاضر، نشان دهنده ضعف در برنامه‌ریزیهای محتوایی آموزشهای ضمن خدمت معلمان است.

یک نتیجه مهم تحقیق حاضر، بالاتر بودن آگاهی معلمان با سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر، در زمینه آگاهی کلی و نیز آگاهی درباره شناسایی ناتوانیهای یادگیری نسبت به معلمان با سطح تحصیلاتی چون دیپلم و نیز فوق دیپلم بود. این نتیجه، یکی از واقعیت‌های موجود آموزش و پرورش در مقطع ابتدایی یعنی پایین بودن میزان تحصیلات معلمان در این مقطع را نشان می‌دهد که با توجه به نتیجه تحقیق حاضر، می‌تواند دانش پایین‌تر معلمان دارای تحصیلات پایین‌تر را نسبت به ناتوانیهای یادگیری توجیه کند.

بالاتر بودن میزان آگاهی کلی، آگاهی درباره شناسایی و نیز درباره طبقه‌بندی ناتوانیهای یادگیری در معلمان زن نسبت به معلمان مرد، با یافته‌های تحقیقات انجام شده (الخطیب، ۲۰۰۷؛ بابایی میاردان، ۱۳۸۱ و نیز عامری، ۱۳۸۳) همسو است. مطابق با

- 3) Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders
- 4) Piaget
- 5) Lerner
- 6) Kirk & Gallagher
- 7) Anastasiou and Polychronopoulou
- 8) Halahan & Kauffman
- 9) Kavale & Reese
- 10) Haynes

منابع

- بابایی میاردان، مهرعلی. (۱۳۸۱). بررسی میزان آگاهی معلمان ابتدایی از اختلالات یادگیری دانش‌آموزان. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.
- عامری، محمد. (۱۳۸۳). بررسی شیوع اختلالات یادگیری در دانش‌آموزان پایه های دوم تا پنجم مدارس ابتدایی و میزان آگاهی معلمان آنان در استان سمنان در سال تحصیلی ۸۴-۸۳. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان سمنان.
- عبدی، بهشته. (۱۳۸۳). بررسی میزان آگاهی از ناتوانیهای یادگیری معلمان ابتدایی شهرستان‌های استان تهران. شورای تحقیقات آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران.
- صوفی پور، یگانه؛ عمل صالح، هاجر؛ محبت؛ سهیلا. (۱۳۸۳). طرح ارزشیابی از فعالیت های مراکز آموزش و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری در سال تحصیلی ۸۲-۸۱. کارشناسی مشکلات ویژه یادگیری. سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور.
- کرگ، ساموئل. ای. و گالاگر، جیمز. ج. (۱۳۸۲). آموزش و پرورش کودکان استثنایی. ترجمه: مجتبی جوادیان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- لرنر، ژانت دابلو. (۱۳۸۴). ناتوانیهای یادگیری نظریه‌ها، تشخیص و راهبردهای تدریس. ترجمه: عصمت دانش. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- محمد اسماعیل، الهه. (۱۳۷۷). ارزشیابی طرح مقدماتی ناتوانیهای خاص یادگیری. سازمان آموزش و پرورش کشور.
- هالاها. دانیل. پ و کافمن. جیمز. ام. (۱۳۷۸). کودکان استثنایی. زمینه تعلیم و تربیت ویژه. ترجمه: فرهاد ماهر. تهران: انتشارات رشد.

برد؛ ثانیاً معلمان می‌توانند از آن دانش برای تغییر دادن (بهتر کردن) تمرین کلاس درسشان استفاده کنند و سرانجام اینکه تغییرات در دانش معلم و تمرین کلاس درس، می‌تواند یادگیری دانش‌آموز را بهبود ببخشد؛ بنابراین با توجه به نتایج تحقیق حاضر، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- دوره‌های آموزش ضمن خدمت به صورت هدفمند، تدوین و سرفصلهای مربوط به تعریف، تاریخچه، شناسایی، طبقه‌بندی، سبب شناسی و خدمات توانبخشی ناتوانیهای یادگیری در آن دوره‌ها برای ارائه به معلمان گنجانده شود.
- ۲- با توجه به اینکه در آیین‌نامه اجرایی مراکز و کلاسهای مرجع آموزش و توانبخشی دانش‌آموزان دچار ناتوانیهای یادگیری (۱۳۷۹) بر تشکیل کلاس مرجع در مدرسه و نیز وجود یک معلم متخصص تعلیم و تربیت ویژه در مدارس ابتدایی کشور تأکید شده، اما متأسفانه هنوز این امر به علت عدم تخصیص بودجه به طور گسترده عملی نشده است، پیشنهاد می‌شود آیین نامه مذکور هر چه زودتر، با اختصاص بودجه و نیز نیروی انسانی متخصص جهت کمک به معلمان مدارس ابتدایی، اجرایی شود.
- ۳- با توجه به بالاتر بودن میزان آگاهی معلمان با سطح تحصیلات بالاتر از ناتوانیهای یادگیری، پیشنهاد می‌شود: اولاً امکان ادامه تحصیل معلمان مشغول به تدریس در دوره‌های ابتدایی (به ویژه معلمان با سابقه تدریس بالاتر از ۱۰ سال) فراهم شود و ثانیاً در استخدام معلمان جدید نیز، افراد دارای سطح تحصیلات بالاتر جذب شوند.
- ۴- با توجه به پایین‌تر بودن سطح آگاهی معلمان مرد از ناتوانیهای یادگیری، برنامه‌ریزیهای ویژه‌ای برای تدوین برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت، جهت بالاتر بودن سطح دانش آنها انجام شود.

یادداشتها

- 1) Learning Disabilities
- 2) Specht

Al Khatib, J. M. (2007). "A survey of general education teachers' knowledge of learning

- disabilities in Jordan". *International Journal of Special Education*. 22 (1). 72- 76.
- American Psychiatric Association (1994). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders – Fourth Edition* Washington: American Psychiatric Association, 46-47.
- Anastasiou, D. & Polychronopoulou, S. (2009). Identification and overidentification of specific learning disabilities (dyslexia) in Greece. *Learning Disability Quarterly*. 32 (1). 55-69. <http://findarticles.com>.
- Avissar, G. (2000). "Views of general education teacher about inclusion: An international perspective". Paper presented at international special education congress /papers-a/aviss2 .htm. www.isec2000.org.uk/abstracts.
- Banu, N., Nagamani, T. S. (2006). "Identification of learning disabilities among Primary School Children." http://ssa.ap.nic.in/ResearchAbstract_Final17-3-07.
- Dunn, C., Chambers, D., & Rabren, K. (2004). "Variables affecting students' decisions to drop out of school". *Remedial and Special Education*, 25(5), 314-323.
- Gilligan, C. (1982). *In a different voice: psychological Theory and Women's Development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Gunderson, L. & Siegel, L. S. (2001). "The evils of the use of IQ tests to define learning disabilities in first and second language learners". *Reading Teacher*. 55 (1). 48-56.
- Kataoka, M., Van Kraayenoord, Ch. E., Elkins, J. (2004). "Principals' and Teachers' Perceptions of Learning Disabilities: A Study from Nara Prefecture, Japan". *Learning Disability Quarterly*, 27 (3). 161-175.
- Klassen, R. M., & Lynch, L. Sh. (2007) "Self-Efficacy from the Perspective of Adolescents with LD and Their Specialist Teachers". *Journal of Learning Disabilities*. 40(6). 494- 507.
- Lyon, G. R. (1996). *Learning Disabilities*. www.Ldonline.Org/ld-indepth/general-info/future-children.htm.
- McCutchen, D., Abbott, R. d., Green, L. B., Beretvas, S.N., Cox, S., Potter, N.S., Quiroga, T., & Gray, A.L. (2002a). "Beginning literacy: Links among teacher knowledge, teacher practice, and student learning. *Journal of Learning Disabilities*, 35(1), 69-86.
- Moore, K. & Iagoni, L. (2005) "Learning disabilities. Colorado State university". www.colostate.edu/depts/coopext.
- Paterson, D. (2007). "Teachers' in-flight thinking in inclusive classrooms". *Journal of Learning Disabilities* 40, (5), 427-435.
- Raskind, M., Goldberg, R., Higgins, E., & Herman, L. (1999). "Patterns of change and predictors of success in individuals with learning disabilities: Results from a twenty-year longitudinal study". *Learning Disabilities Research & Practice*, 14(1), 37-49.
- Scrugs, T. E. & Mastropieri, M. (2002). *On babies and bathwater: Addressing the problems of identification of learning disabilities*. 25. (3) 155-168.
- Sideridis, G. D. (2007) "Why are students with LD depressed: A goal orientation model of depression vulnerability. *Journal of Learning Disabilities*. 40, (6), 526-539.
- Sideridis, G. D. Antoniou, F., & Padelidu, S. (2008). "Teacher biases in the identification of learning disabilities: An application of the logistic multilevel model" *Learning Disability Quarterly*. 31 (2). 199- 210. www.Thefreelibrary.com.
- Specht, J. (2004). "Educating exceptional children: Current issues for educators". *Education Canada*, 44(1), 4-7.
- Steele, M. M. (2004). "A review of literature on mathematics instruction for elementary student with learning disabilities". *Focus on Learning Problems in Mathematics*. March. Findarticles.com.